

سخنی پیرامون یک واژه‌ی قرآنی*

استاد دکتر شهرام هدایت

يسئلونك عن الانفال قل الانفال لله والرسول - انفال: ۱

تو را از "انفال" می‌پرسند، بگو، "انفال" از آن خدا و رسول است.

این آیه بنا به آنچه که در روایات مربوط به شأن نزول آن آمده است، در پی رخداد دودستگی و کشمکش بر سر تصاحب اموال به جا مانده از دشمن، پس از کشته شدن یا فرار آنها در جنگ بدر میان مسلمانان، نازل شده است. با نزول این آیه گفته شد که این اموال، این غنائم از آن هیچیک از آن دو گروه نیست و از آن خدا و پیغمبر اوست. آنگاه پیغمبر (ص) خود این غنائم را به صلاحدید خود میان جنگجویان مسلمان تقسیم کرد و بدین سان کشمکش را فرو نشاند.^۱ اما "انفال" یعنی چه؟ برحسب آنچه که در روایات شأن نزول آمده، کتب تفسیری می‌گویند که: "النفل، العطية و نفلتک، اعطيتک و النافله عطية التطوع من حيث لا يجب و منه نوافل الصلاة - النفل، الزيادة على الشيء"^۲

"نفل" هدیه است، عطیه است. "نفلتک" یعنی به تو هدیه دادم. "نفل" یعنی کار یا چیز زیاده بر اصل، بنابراین به عبادت غیر واجب که به نیت استحباب انجام می‌گیرد، نافله می‌گویند.

"النفل هو الغنيمه و اصل ذلك من النفل ای الزيادة على الواجب و يقال له النافله"^۳ "الانفال": غنیمت‌ها^۴ و در پی کتابهای تفسیر، کتابهای لغت هم همین معانی را برای "نفل" نوشته‌اند: عطیه، غنیمت، غنیمت جنگی، چیز زیاده از قسمت و مفاهیم دیگر.^۵

در ترجمه‌های قرآن نیز از گذشته‌های دور تا کنون همین مفهوم غنیمت و غنیمت جنگی برای واژه آمده است و همان سخنان پیشین تکرار شده است.^۶

اما باید گفت که همه این مفاهیم، معانی جنبی و ثانوی واژه هستند. این واژه در زبانهای سامی، واژه‌ای کهن است با مفاهیم جنبی گوناگون، ولی در اصل به معنای "افتادن، انداختن، روی زمین سقوط

* آنچه از نظران خواهد گذشت، فشرده سخن گوینده در درس تفسیر خویش است که از روی نوار نوشته و خلاصه شده است.

۱. واحدی نیشابوری - سیوطی، ج ۱ ص ۲۷۵. تفسیرهای تبیان، علی بن ابراهیم و برهان - محقق، ص ص ۳۴۶ و ۳۴۵.

۲. مجمع البیان، ج ۴-۳ ص ۵۷ و نزدیک به همین مضامین: تبیان، المجلد الخامس ص ۷۲.

۳. راغب، ص ۵۲۴. ۴. تفسیر مفردات قرآن، ص ۵۲.

۵. صحاح، المنجد، جامع، و... زیر واژه.

۶. طبری: غنیمت‌ها - ج ۴-۳ ص ۵۷۵. میدی: غنیمت‌ها که از دشمن یابند به جنگ - ص ۱۱۹. ابوالفوح: غنیمت‌ها - ص ۱۹۱. نمونه:

غنائم و... - ج ۷ ص ۷۹.

کردن، روی زمین ماندن، سقط یا ساقط شدن (بچه)، تلف شدن و... است.^۱

مفاهیم "غنیمت"، "هدیه" و مفاهیم دیگر همه مفاهیمی تبعی و ثانوی هستند. "نفل" در آیه مورد بحث یعنی "به زمین افتاده"، "روی زمین مانده". "انفال" یعنی "روی زمین ماندها".

بنابه تاریخ اسلام، در جنگها کسانی بوده اند که به جای جنگ کردن، بیشتر در اندیشه گرد آوردن آنچه که از کشته شدگان یا فراریان به زمین افتاده و روی زمین مانده بود- از سلاح، لباس، زیور، اسباب سفر، آذوقه و...- بودند و بدین شکل ثروتی فراهم می آوردند. کسان دیگری که خالصانه در کنار پیغمبر جنگیده بودند و از او دفاع کرده بودند، در پایان جنگ هم زخم بیشتری برداشته بودند و احیاناً عضوی از بدن خویش را از دست داده بودند و هم دست خالی می ماندند. اگرچه این امر در جنگ بدر که در آغاز مسلمانی روی داد و مسلمانان شور و ایمان فراوانی داشتند، کمتر پدید آمد- که البته در همین جنگ نیز چنان که پیش از این اشاره رفت بر سر غنائم کار به دودستگی و کشمکش کشید- در جنگهای بعد چنان رواج یافت و چشمگیر شد که کسانی تنها به خاطر گردآوری مال به جنگ می رفتند و با پیغمبر همراه می شدند، و نه برای جنگیدن در راه اسلام و مسلمانی. مقریزی می نویسد که به دنبال فتح مکه پیغمبر به حنین برای جنگ با هوازن رفت. گروهی از مسلمانان که با آن حضرت همراهی می کردند، در گوشه ای انتظار می کشیدند که ببینند کدامیک از دو حریف پیروز می شوند، تا همراه آنها از جبهه های مخالف غنائمی به چنگ آورند. از این گروه یکی ابوسفیان بن حرب بود که معاویه فرزندش را نیز به همراه داشت. ... ابوسفیان به دنبال لشکر اسلام حرکت می کرد و آنچه که از افراد لشکر بر زمین می افتاد، بر می داشت، تا آنجا که شترش رفته رفته از این گونه ابزارها مملو گردید و سنگین بار شد.^۲

به بحث اصلی مان باز گردیم. چون این اموال به زمین افتاده، در جنگ به دست آمده بودند، "غنیمت و غنیمت جنگی" شمرده شدند. چون کسانی که در پی گردآوری این مالهای در میدان جنگ افتاده می رفتند، جنگ نمی کردند، مفهوم غنیمت بدون جنگ پدید آمد. چون پیغمبر بخشی از آنها را به مسلمانان بخشید، مفهوم هدیه و عطیه پیدا شد. چون آنچه به زمین مانده بود، یا صاحبش کشته شده بود و یا فرار کرده بود، مفهوم مال بی صاحب پدید آمد. چون این اموال جزء اموال اصلی مسلمانان نبود و به صورت اضافی به آنها داده می شد، مفهوم مال زیاد بر اصل پیدا شد و همینطور مفاهیم ثانوی فراوان دیگر که هر یک از آنها در حوزه فرهنگ اسلام و مسلمانی گسترش یافت و موارد شمول بسیار پیدا کرد. مثلاً از مفهوم "چیز زیاد بر اصل" اصطلاح نوافل یعنی عبادات مستحبی و غیر واجب شکل گرفت. یا از مفهوم "مال بی صاحب" برای "نفل" و این که آن به خدا و پیغمبر تعلق دارد، نتیجه گرفته شد که هر آنچه در جامعه اسلامی برایش مالکی شناخته نشود، مثل میراث شخص در گذشته ای که وارثی ندارد و... متعلق به خدا و پیغمبر و حکومت اسلامی است.^۳ این مفهوم چنان گسترده شد که هر آنچه در زمین و آسمان است و

1. Gleb, p 203. Macuch, p 303. Gesenius, p 656. Brun, p 351. Hoftij, p 181.

۲. تیان، المجلد الخامس ص ۷۲.

۳. امتاع الاسماع، ص ۴۰۵.

نمی‌تواند به تملک کسی درآید، مثل کوه‌ها، دریاها، رودها، جنگل‌ها، بیابان‌ها، چشمه‌ها و... را در بر گرفت و جزء "انفال" شمرده شد. بدین سان موضوع "انفال" یکی از باب‌های مهم فقه اسلامی گردید. به هر حال، با وجود این همه مفاهیم تبعی که برای "نفل" در زبان عربی پدید آمده است، باز هم می‌توان نشانه‌هایی از معانی و مفاهیم اصلی واژه را در این زبان دید. مفاهیمی چون "دور افتاده"، "دور انداختن"، "رها کردن"، "دوری جستن" و...^۱

مشتقی از این واژه به شکل "نقله" و "نقله شدن" به معنای تلف شدن، ساقط شدن، از میان رفتن در زبان فارسی هنوز به کار می‌رود.^۲

کتاب‌نامه

فارسی و عربی

۱. واحد نیشابوری- سیوطی، "شأن نزول آیات" ترجمه دکتر محمدجعفر اسلامی، بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶۲، تهران.
۲. الطبرسی، الشیخ ابوعلی الفضل بن الحسن "مجمع البیان فی تفسیر القرآن" دار احیاء التراث العربی، بیروت لبنان ۱۳۷۹ ق.
۳. الراغب الاصفهانی، "مفردات الفاظ القرآن" تحقیق ندیم مرعشلی، المکتبه المرئضویه، ۱۳۹۲ ق.
۴. تفسیر مفردات قرآن (نسخه‌ای کهن)، تصحیح دکتر عزیزالله جوینی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۵۹ ش.
۵. المختار من صحاح اللغة، المکتبه التجاریه الکبری، مطبعه الاستقامه بالقاهره.
۶. المنجد، ابولویس معلوف الیسوعی، الطبعه الاولی، المطبعه الکاثولیکیه بیروت ۱۹۳۵.
۷. فرهنگ جامع، احمد سیاح، چاپ سوم، کتاب فروشی اسلام، تهران ۱۳۴۳ ش.
۸. ترجمه تفسیر طبری، به تصحیح حبیب یغمایی، چاپ دوم، انتشارات توس، تهران ۱۳۵۶ ش.
۹. قرآن کریم با ترجمه نوبت اول از کشف الاسرار میدی، انتشارات ابن سینا، تهران.
۱۰. قرآن کریم با ترجمه فارسی از تفسیر ابوالفتوح رازی، انتشارات جاویدان، تهران.
۱۱. امتاع الاسماع، للمقریزی، مصر ۱۹۴۱.
۱۲. لغت‌نامه، علی اکبر دهخدا.
۱۳. نمونه بیانات در شأن نزول آیات، محمدباقر محقق، انتشارات اسلامی تهران ۱۳۵۹.
۱۴. التبیان فی تفسیر القرآن، شیخ الطائفه ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت- لبنان.
۱۵. تفسیر نمونه، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۵۳.

۱. المنجد، ص ۶۲۹ و فرهنگهای دیگر زیر واژه.

۲. دهخدا در لغت‌نامه این مفاهیم که مفاهیم اصلی واژه‌اند را در میان مفاهیمی که برای واژه "نفل" بر شمرده (غنیمت، غنیمت جنگی، عطیه، هدیه، و...) نیاورده است، ولی یادآوری کرده که در تداول "نقله شدن یا کردن" به معنای تلف شدن یا کردن، مردن یا کشتن، بیهوده خرج شدن یا کردن و... به کار می‌رود. - دهخدا، لغت‌نامه زیر واژه.

انگلیسی

1. Gelb, I, J. Glossary of old Akkadian. Chicago, 1957.
2. Macuch, R. A. & Drower. H. Mandaic Dictionary. Oxford. 1963.
3. Brown. f. a. Hebrew-English Lexicon of the Old Testament, based on the lexicon of William Gesenius. Oxford, 1955.
4. Brun, S. J. Dictionarium Syriaco-Latinum. Beirut, 1911.
5. Hoftijzer, Gharles-F. Jean-Jacob. Dictionnaire des Inscriptions Semitiques deL, ouest. Leiden, 1965.